



Afarand Scholarly
Publishing Institute

ISSN: 2251-6166; Journal of Quran and Medicine. 2018;3(3):145-153

Investigating the Relationship between Piety and Guidance and Its Impact on Social Health from the Perspective of the Quran

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Simiari Sh.¹ PhD,
Ghaemi Amiri A.*¹ PhD,
Armand M.¹ PhD

How to cite this article

Simiari Sh, Ghaemi Amiri A, Armand M. Investigating the Relationship between Piety and Guidance and Its Impact on Social Health from the Perspective of the Quran. Journal of Quran and Medicine. 2018;3(3):39-44.

ABSTRACT

Introduction The relationship between piety and guidance are concepts that have always been discussed. The issue of guidance in Islamic culture has a high and honorable status, such that it can be said that all the efforts of the Prophet of Islam ^(PBUH) and the Imams ^(AS) were culminating in achieving those goals. The aim of this study was to investigate the relationship between and piety guidance and its impact on social health, which was carried out, using various sources and interpretations. In the present study, the library method and note taking were used.

Conclusion The virtuous at the first stage and at the path of piety need divine guidance and benefit from it. Also, divine guidance has several levels that are directly related to piety. Avoiding adherence to divine guidance is astray and, consequently, deprivation of piety. Guidance has a direct effect on piety, and divine guidance for those who are in the path of piety is increasing. Piety and guidance cross-related in two aspects. Piety in the first aspect is the background of divine guidance, and in the second aspect, divine guidance leads to piety. As a result, divine guidance and piety have a two-way relationship, that is, the greater the piety, the greater the divine guidance, and the more the divine guidance shows the way, the more added to their degrees of piety. The virtuous, as a member of the community, are effective on social health following the divine guidance for the good coexistence of their fellow men.

Keywords Piety; Guidance; Quran; Social Health

CITATION LINKS

[1] Explanation of the best [2] Complex of seas (Majma' al-Bahrain) [3] Dictionary of Quranic terms (al-Mufradat fi Gharib al-Quran) [4] Medieval Dictionary: Arabic-Persian (Farhang al-Maajam-al-vasit: Arabi-Farsi) [5] Dictionary of Language standards (Maajam Maghaeesm Al-loghat) [6] Dictionary of Larousse [7] Revealed of intended in explaining the pervasive belief (Kashf al-Morad fi Sharhe Tajrid al-Ee'teghad) [8] Interpretation of Mohaghegh (Tafsir-Al-Mohaghegh) [9] Surrounding in language (al-Mohit fi al-Loghah) [10] The dimensions and scope of educational goals with an emphasis on anthropological teachings of Imam Ali (a.s) [11] Interpretation of Moshkat [12] Fourth trip [13] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [14] Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran) [15] Lamp of spirits (Mesbah al-Arvah) [16] Description of transcendent philosophy: Fourth trip [17] Words of the Quran (Al-Mufradat fi Gharib al-Quran) [18] Research the words of Al-Quran al-Karim [19] Translation of arabic principles (Tarjome Mobadi Al-Arabi) [20] Bold light in great explantion of rafeei (Al-Mesbah Al-Monir fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir Al-Rafeiee) [21] Fitra [22] Prophecy of the Quran [23] Textbook of preventive and social medicine, a treatise on community health (General health services) [24] Identity processes and social stress [25] Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology [26] Cognitive semantics of piety in Quran [27] The semantics of piety in verses of the holy Quran [28] Semantic analysis of virtue in the Holy Quran [29] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [30] Guidance in the Quran [31] Interpretation of the holy Quran Surah Baqarah, verses 1-7 [32] Book of dictations (Al-Amali) [33] Interpretation of Ayyashi (Tafsir Ayyashi) [34] Proof in the interpretation of the Quran (Al-Burhan fi Tafsir al-Quran) [35] Interpretation of the light of thaqalayn (Tafsir nur al-thaqalayn) [36] Evidence of descent (Shawahid al-tanzil) [37] Mohamad Noovy Al-jawy's Interpretation (Maraha Lbyd Lekashf Maany Al-Quran Al-Majid) [38] Adoption in exegesis of Quran (al-Tibbyan fi Tafsir al-Quran) [39] Collection of statements on interpretation of verses of the Quran (Jami' al-bayan fi Tafsir al-Quran) [40] Study of the anthropological basis of spiritual health in the Quran [41] Seas of lights (Bihar al-Anwar)

¹Educational Sciences Department, Literature, Humanities & Social Sciences Faculty, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Science & Research Branch, Daneshgah Boulevard, Simon Bulivar Boulevard, Tehran, Iran. Postal Code: 1477893855

Phone: -

Fax: -

alighaemiamiri@gmail.com

Article History

Received: June 21, 2018

Accepted: July 18, 2018

ePublished: September 22, 2018

بررسی رابطه تقوی و هدایت و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی از منظر قرآن

شهین سیمیری PhD

گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی قائمی امیری PhD

گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد آرمند PhD

گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اهداف: رابطه هدایت و تقوی مفاهیمی هستند که همواره مورد توجه اهل بحث و کلام بوده‌اند. موضوع هدایت در فرهنگ اسلامی دارای موقعیت و مقامی بس عالی و ارجمند است که می‌توان گفت همه مساعی رسول مکرّم اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در جهت تحقق اهداف آن اوج گرفته بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان هدایت و تقوی و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی انجام شد که با استفاده از منابع و تفاسیر مختلف صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری استفاده شد.

نتیجه‌گیری: متقین در مرحله ابتدا و ادامه مسیر تقوی، به هدایت الهی نیاز دارند و از آن بهره‌جسته‌اند. همچنین، هدایت الهی مراتب مختلفی دارد که این مراتب در درجات تقوی اثر مستقیم دارند. خودداری از تبعیت هدایت الهی، سبب گمراهی و در نتیجه، محرومیت از تقوی است. هدایت بر تقوی اثری مستقیم دارد و هدایت الهی برای متقین و آنهایی که در مسیر تقوی قرار گرفته‌اند در حال ازدیاد است. تقوی و هدایت نسبت به هم دو جنبه دارند. تقوی در جنبه اول زمینه دریافت هدایت الهی است و در جنبه دوم هدایت الهی منجر به تقوی می‌شود. در نتیجه هدایت الهی و تقوی رابطه دوسویه مشدّد دارند، یعنی هر چه تقوی بیشتر شود هدایت الهی فزون‌تر شده و همچنین هر چه هدایت الهی چراغ راه متقین شود، بر درجات تقوی ایشان افزوده می‌شود. متقین به‌عنوان یک عضو از جامعه با پیروی از هدایت‌های الهی در جهت هم‌زیستی نیکو با هم‌نوعان خویش بر سلامت اجتماعی موثر هستند.

کلیدواژه‌ها: تقوی، هدایت، قرآن کریم، سلامت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۷

* نویسنده مسئول: alighaemiamiri@gmail.com

مقدمه

رابطه هدایت و تقوی مفاهیمی هستند که همواره مورد توجه اهل بحث و کلام قرار گرفته‌اند. موضوع هدایت در فرهنگ اسلامی موقعیت و مقامی بس عالی و ارجمند دارد که می‌توان گفت همه مساعی رسول مکرّم اسلام^(ص) و ائمه معصومین^(ع) در جهت تحقق اهداف آن اوج گرفته بود، به عبارت دیگر پیامبر اکرم^(ص) و ائمه معصومین^(ع) با تمام آگاهی‌ها و معارف الهی‌شان برای تربیت و هدایت جامعه اسلامی نستوهانه می‌کوشیدند و در این رهگذر از لحاظ ارایه رهنمودهای مربوط به آن، از بیان هیچ نکته‌ای فروگذار نکردند و برای پروردن و هدایت یک انسان سالم و صالح، همه دقایق و ظرایف را بازگو فرمودند. بشری که با این رهنمودها آشنایی به هم رسانده است اگر قصور یا کمبودی در اعمال و رفتارش مشاهده شود، نمی‌توان او را در پیشگاه حق معذور برشمرد؛ زیرا تمام رموز و اسرار انسان‌سازی (تربیتی، هدایتی) در لابه‌لای معارف آسمانی و در خلال آیات روشن و روشنگر نبشتار الهی مسلمین، یعنی قرآن کریم و سنت معصومین^(ع) در دسترس او نهاده شد، خداوند متعال در سایه فضل و رحمت خویش در جهت بهزیستی و تعالی بشر در شئون دنیا و آخرت وی را راه‌آشنا و رهنمون ساخت.

هر انسان پویا و جویای حقیقت آنگاه که خویشتن را در برابر عرصه گسترده، عمیق و دقیق فرهنگ اسلامی می‌یابد می‌بیند که با معارفی روبه‌رو است که فقط یک دید نافذ الهی می‌تواند گویای آن باشد، دیدی که در پهنه آن، تمام زوایای مخفی و پیچیده درون و برون انسان مدنظر است. دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، در پی نشان‌دادن راهی است که به سعادت انسان‌ها منتهی شود و آنها را از شقاوت و بدبختی چه در دنیا و چه در آخرت برهاند. اینکه تقوا چه جایگاهی در دریافت هدایت‌های الهی دارد و آیا هدایت الهی مشمول همه ابنای بشر می‌شود یا فقط متقین از این هدایت‌ها برخوردار هستند، جایگاه بحث بوده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تقوی و هدایت و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی از منظر قرآن بود.

در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری استفاده شد. همچنین قسمتی از پژوهش در زمینه هدایت برگرفته از رساله دکتری محقق با عنوان "تربیت و هدایت از منظر اسلام" بود.

مفاهیم و ادبیات پژوهش

هدایت: هدایت در لغت به معنای ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است^[1].

صاحب مجمع‌البحرین می‌گوید "هدایت در لغت به معنای ارشاد و دلالت بر شیء است"^[2]. *راعب اصفهانی* درباره معنی هدی می‌گوید "هدی در لغت به معنای دلالت و راهنمایی از روی لطف است"^[3]. درباره معنی هدایت در معجم مقاییس اللغة و در معجم الوسیط آمده است که "هدایت راهنمایی از روی لطف است، به‌گونه‌ای که رساننده به مطلوب و مقصود باشد"^[4, 5]. همچنین درباره معنی لغوی هدایت، گفته شده است که "هدایت، یعنی به نرمی کسی را به خواسته‌اش راهنمایی‌کردن"^[6]. صاحب تبیان نیز هدایت را به معنی راهنمایی به راه رشد می‌داند^[7].

در تفسیرالمحقق درباره معنای لغوی هدایت چنین آمده است که "هدایت در لغت به معنی راهنمایی‌کردن است و هدی، هدی و هدیه، مصدر هدی یهدی است که به معنای ارشاد و ضدگمراهی است و به معنای دلالت، دعوت، بیان و تعریف نیز می‌آید"^[8]. هدایت از ماده هدی به معنای رشاد و هدایت‌یافتن، بیان، راهنمایی و ضدگمراهی است. همچنین راهنمایی به آنچه یا پیمودن راهی است که ما را به مطلوب می‌رساند^[9]. هدایت از ماده "دی" به معنای ارشاد، راهنمایی و شناساندن است. هدایت، اصطلاح کلامی و عرفانی به معنای راهنمایی و نشان‌دادن راه خیر و صواب است^[10].

معنای اصطلاحی هدایت

معنای اصطلاحی هدایت دلالت به سوی حق و ارایه طریق و ارشاد به سوی حقیقت چنان که قرآن کریم است، در آیات زیر همین معنا را بیان می‌فرماید:

"إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ لَيْلٌ ۚ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ" سوره شوری آیه ۵۲، إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ" سوره اسراء آیه ۹، قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ" سوره یونس آیه ۳۵^[2].

صاحب کشف نیز درباره معنای اصطلاحی هدایت می‌گوید "هدایت ارایه طریق و افاضة قوایی است که شخص بتواند به وسیله آن، مصالح خود را دریابد، یا عبارت است از نصب ادله‌ای که به‌وسیله آن حق را از ناحق جدا کند و با ارسال رسل و انزال کتب باشد" چنان‌که خداوند می‌فرماید "وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا" سوره سجد آیه ۲۴، یا کشف سرائر از دل‌ها باشد که مخصوص انبیا و

را فرا می‌گیرد، تقوا در گونه‌های مختلف رفتار ارتباطی متجلی می‌شود یکی از برداشت‌های بسیار رایج از تقوا معادل دانستن آن با پرهیز و اجتناب است؛ شهید مطهری معتقد است اهل لغت هیچ‌گاه این کلمه را به این معنا معرفی نکرده‌اند و تنها فارسی‌زبانان هستند که از این کلمه مفهوم پرهیز و اجتناب را درک می‌کنند. البته شکی نیست که در عمل، لازمه تقوا و صیانت نفس نسبت به چیزی، ترک و اجتناب از آن چیز است اما این بدان معنا نیست که تقوا همان ترک، پرهیز و اجتناب باشد [21]. اما حقیقت تقوا همان روحیه قوی است که خود حافظ و نگه‌دارنده انسان است [21].

مفهوم خداترسی با تعبیر "خشیه الله"، "فلا تخشوا الناس و اخشون" سوره مائده آیه ۴۴ و "خوف الله"، "و خافون ان کنتم مؤمنین؛ سوره آل عمران آیه ۱۷۵. در قرآن وجود دارد که به معنای ترس از قاضی عادل بصیری است که به جزئیات عمل انجام شده، بصیر و در قضاوتش هم به شدت مراقب عدالت است، اما "اتقوا الله" به این معنا نیست. آیت‌الله جوادی آملی [22] در تفسیر آیات ۴۰ و ۴۱ سوره مبارکه بقره ("یا بنی اسرائیل اذکروا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوا بَعْثِي اَوْفِ بَعْثِكُمْ وَاِيَّايَ فَارْهَبُون * وَاٰمِنُوا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا اُولَ كٰفِرٍ بِهٖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيْلًا وَاِيَّايَ فَاتَّقُون؛ ای بنی اسرائیل، به یاد آرید نعمت‌هایی که به شما عطا کردم، و به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم، و تنها از من بر حذر باشید * و به قرآنی که فرستادم ایمان آورید که تورات شما را تصدیق می‌کند، و اول کافر به آن نباشید، و آیات مرا به بهای اندک نفروشید، و تنها از قهر من بپرهیزید") چنین بیان می‌کند که فرق بین "تقوا" و "رهبت" در این است که انسان تا راه را پرخطر نبیند و نهراسد از آن نمی‌پرهیزد و از خطر نجات نمی‌یابد. بر این اساس، جمله "و ایای فارهبون" قبل از جمله "و ایای فاتقون" وارد شده و بیانگر این است که یکی از دو جمله، تکرار دیگری نیست. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین گفت که تقوا پرهیز و ترس از خدا نیست بلکه عامل پرهیز، خشت و خوف از خدا در انسان است.

سلامت اجتماعی

مفهوم سلامت اجتماعی، مفهومی است که در کنار ابعاد جسمی و روانی سلامت مورد توجه قرار گرفته است، جنبه اجتماعی آن را با محور قراردادن فرد مورد بررسی قرار می‌دهد. بلوک و برسو برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در پژوهشی به مفهوم سلامت اجتماعی پرداختند. آنها مفهوم سلامت اجتماعی را با درجه عملکرد اعضا جامعه مترادف کرده و شاخص سلامت اجتماعی را ساختند. آنها تلاش کردند تا با طرح پرسش‌های گوناگون در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی سلامت فردی، به میزان فعالیت و عملکرد فرد در جامعه برسند. این مفهوم را چند سال بعد دونالد و همکاران در سال ۱۹۷۸ مطرح کردند و استدلال آنها این بود که سلامت فراتر از گزارش علایم بیماری، میزان بیماری‌ها و قابلیت‌های کارکردی فرد است [23].

آنها معتقد بودند که رفاه و آسایش فردی امری متمایز از سلامت جسمی و روانی است. براساس برداشت آنها سلامت اجتماعی در حقیقت هم بخشی از ارکان وضع سلامت محسوب می‌شود و هم می‌تواند تابعی از آن باشد. سنجش محتوای سلامت اجتماعی از ابتدا از طریق تمرکز بر فرد و در رابطه با تعاملات میان فردی (به‌طور مثال ملاقات با دوستان) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه‌ها) مورد سنجش قرار گرفت و در اندازه‌گیری ارکان عینی

اولیا است، چنان‌که می‌فرماید "لَنْهَدِيَهُمْ سُبُلَنَا" سوره عنکبوت آیه ۶۹ [11].

ملاصدرا در مقام بیان معنی هدایت گوید "فالخلق هو اعطاء الکمال الاول و الهدایه هی افاده کمال الثانی؛ آفرینش موجودات، اعطای کمال اول است و هدایت، عبارت از اعطای کمال دوم به موجودات است زیرا خداوند، ابتدا بندگان را آفرید سپس آنها را به راه درست و طریق سعادت، هدایت نمود"، چنان که می‌فرماید "رَبُّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ سوره طه آیه ۵۰، و بالجمله، هدایت سوق دادن اشیا به‌طرف کمال است و کمال دوم، کمالی است که موجودات در اصل وجود و در بقا احتیاجی به آن ندارند [12].

هدایت راهنمایی و جهت‌دهی فردی به‌سوی مقصدی است که انبیا الهی یا جانشینان برحق او عهده‌دار آن بوده‌اند و در عصر ما هر پدر و مادری هادی و راهنمای فرزند است. هر معلمی هادی و جهت‌دهنده شاگردانش است.

بنابراین هدایت، شناختن درست و صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است و هدایت در عام‌ترین معنای خود شامل همه مخلوقات خداوند می‌شود [13].

هدایت به مفهوم حکم و اراده خدا: این نوع هدایت به اراده خداوند تعلق دارد "وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَبِهْدَى اللَّهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَنْ يُجِدَ لَهُمْ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ"؛ هرکس را خدا هدایت کند، هدایت‌یافته واقعی است و هر کس را گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیرخدا برای او نخواهی یافت، سوره اسراء آیه ۹۷. این نوع هدایت به اهل ایمان اختصاص دارد [14].

هدایت به مفهوم رسیدن به واقع: هدایت به این مفهوم، رسیدن به هدف و واقع است چنان چه قرآن می‌فرماید "اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيْهِمْ رَبُّهُمْ لِآيْمَانِهِمْ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِىْ جَنَّٰتٍ النَّعِيْمِ؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارش آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می‌کند، از زیر قصرهای آنها در باغ‌های بهشت، نهرهایی جاری است، این گونه هدایت مختص به مؤمنین است" سوره یونس آیه ۹.

تقوا

تقوا از محوری‌ترین آموزه‌های قرآنی و مهم‌ترین فضیلت اخلاقی، انسانی، دینی و یگانه معیار برای ارزیابی عملکرد انسان‌ها از منظر قرآن است. از این رو در مکتب ارزشی اسلام، وسیله دستیابی به رستگاری، فوز و فلاح معرفی شده است. در ادامه، با ذکر چند تعریف، ماهیت تقوا بررسی می‌شود:

تقوا و ورع انجام همیشگی اعمال شایسته، بدون کوتاهی و سستی است [15]. تقوا انجام واجب‌ها و ترک حرام‌ها است [16].

تقوای الهی به‌طور مطلق، ملکه‌ای نفسانی است که باعث خویشستن‌داری از عوامل هلاکت درون و بیرون می‌شود و از طریق ایمان و اطاعت اوامر خدا، ترک نواهی او (عمل صالح) و اخلاق نیکو به دست می‌آید. این تعریف به معنای لغوی تقوا نزدیک‌تر است زیرا نشان می‌دهد که برخی امور هراس‌انگیز درونی و بیرونی وجود دارند که باید از آنها اجتناب کرد [17، 18، 2]. و با بیان شیوه دستیابی به آن (از طریق ایمان و غیره)، نه صرف عمل صالح بدون ایمان، دو معنای "اتخاذ" و "طلب" که از معنای باب افتعال اند [19] و تنها این دو معنا در آیات کاربرد داشته‌اند، تقوا نیز اسم مصدر واژه "اتقا"، مصدر باب افتعال [20] در آن لحاظ شده است.

تقوا ماهیتاً گونه‌ای رفتار ارتباطی قدسی و مربوط به ارتباط انسان با خدا است، (اما) از آنجایی که زیست متقیانه، همه شئون انسانی

راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است" سوره عنکبوت آیه ۶۹.

تعبیر به "جهاد" تعبیر وسیع و مطلق است و هر گونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد شامل می‌شود، خواه در طریق کسب معرفت باشد، یا جهاد با نفس، یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت، یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت، یا در مسیر کمک به افراد مستضعف، یا انجام هر کار نیک دیگر [29].

بنابراین کسانی که در این راه‌ها به هر شکل و هر صورت برای خدا مجاهده کنند مشمول حمایت و هدایت الهی هستند، اما این شمولیت چگونه در موضوع تقوا و هدایت نمود پیدا می‌کند:

هدایت تکوینی پاداشی هدایتی است که پس از هدایت عمومی، شامل حال مومنان و پارسایان می‌شود، در سر اختصاصش به مومنان در میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد. آنها در تفسیر آیه "ذَالِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ" سوره بقره آیه ۲، آن کتاب با عظمتی است که در آن شک راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است، می‌گویند:

۱) گروهی معتقد هستند هدایت قرآن همگانی است و آیاتی که اختصاص به پرهیزکاران را بیان می‌کند، ناظر به بهره‌وری مومنان از آن است، طبق این دیدگاه قرآن کریم در مقام هدایت تشریحی هیچ‌گونه اختصاصی به گروه مخصوص ندارد، منتهی انسان‌ها در برابر آن دو دسته هستند. برخی هدایت قرآنی را نشنیده می‌گیرند "وَأَن تَذُوعُهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا؛ و اگر آنها را به هدایت فراخوانید، سخنان‌تان را نمی‌شنوند، اما پرهیزکاران از هدایت قرآن بهره می‌گیرند و آیات اختصاص هدایت ناظر به آنان است" سوره اعراف آیه ۱۹۸.

۲) علامه طباطبایی معتقد است، مقصود از هدایت در آیه "هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ" هدایت تکوینی پاداشی است، نه هدایت تشریحی ابتدایی. سر اختصاص این هدایت به پرهیزکاران در آن است که آنها سرمایه پذیرش هدایت قرآن را که همان سلامت فطرت است حفظ کرده‌اند [13].

۳) نظریه سوم درباره هدایت ویژه الهی آن است که هدایت ویژه پرهیزکاران همان هدایت تکوینی (ایصال به مطلوب) است که متاخر از هدایت تشریحی همگانی قرآن (ارایه طریق) است؛ و مراد از متقین نیز کسانی هستند که هم فطرت خویش را شکوفا ساخته و هم با راهنمایی قرآن بخشی از راه را پیموده باشند. آنگاه هدایت پاداشی ایصال به مطلوب نصیب آنها خواهد شد [30].

از سوی دیگر خداوند در هدایت تشریحی برای هدایت عامه انسان‌ها از طریق پیامبران و کتاب‌های آسمانی، راه رسیدن به مقصد را به انسان نشان داده است و انسان اختیار دارد که آن را بپذیرد یا انکار کند؛ چنان‌که می‌فرماید "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس‌گزار" سوره دهر آیه ۳. مراد از هدایت در این آیه هدایت تشریحی و ارایه طریق است و معنای حقیقی واژه "سبیل" آن مسیری است که آدمی را به غایت مطلوب که همان حق است، برساند. علامه طباطبایی در بیان ضرورت این نوع هدایت می‌نویسد "افعال انسان ارتباط نزدیکی با احوال درونی و ملکات اخلاقی او دارد و از سرچشمه صفات انسانی تراوش می‌کند و در عین حال، تأثیری متقابل در نفس دارد. علوم و ملکات انسان، در صورتی به نفس می‌دهد که یا هم‌سنخ با سعادت یا مایه شقاوت او است. تعیین راه سعادت و شقاوت انسان و قرب و بعد او نسبت به خدا نیز به عهده همین صورت‌ها است؛ زیرا انسان به‌واسطه اعمال شایسته و عقاید درست و حق، برای نفس

(به‌طور مثال تعداد دوستان) و ذهنی (کیفیت روابط دوستانه) هر دو تعریف منظور شده بود. حوزه سلامت اجتماعی از سال‌های ۱۹۹۵ به بعد علاوه بر نگرش کلی و عامی که بر کیفیت سلامت در میان تمام افراد دارد، در کشورهای صنعتی‌گرایشی خاص را در دو بعد سلامت روانی و نیز سلامت اجتماعی آغاز کرده است. گروهی از کارشناسان در این تلاش بوده‌اند تا با عملیاتی‌کردن مفهوم ارتقای سلامت اهداف کلی شعار "بهداشت برای همه" را با زمینه‌های اجتماعی سلامت در مفهوم عام پیوند بزنند. آنها معتقد هستند که ارتقای سلامت در حقیقت در برگزیده زمینه‌های اقدام اجتماعی برای توسعه سطح سلامت است. ارتقای سطح سلامت بر این اساس از دو طریق امکان‌پذیر است که یکی از آنها توسعه شیوه‌های سالم زندگی و اقدام اجتماعی برای سلامت است و دیگری ایجاد شرایطی است که زیستن در یک حیات سالم را امکان‌پذیر سازد.

استفاده مفرد از مدل بیماری در گذشته که در آن مقوله سلامت به‌عنوان نبود نشانه‌ها و عوارض جسمانی و روانی تعریف می‌شد، منجر به بازتعریف سلامت به شکل‌های مختلف و سنجش آن به طرق متنوع شده است. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به بیان شخصی، تغییرات در کارکرد ایمنی بدن، آشکارشدن علایم ظاهری بیماری، تشخیص پزشکی و غیره اشاره کرد [24].

با این حال سازمان بهداشت جهانی سلامت را این گونه تعریف کرده است "حالت سلامت کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً نبود بیماری یا ناتوانی فرد". این تعریف مقدمه‌ای برای معرفی مدلی شد که در آن سلامت به معنای سطح بالایی از سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی مفهوم‌سازی شد [25].

پیشینه تحقیق

نیلی‌پور در رساله خود در مقطع دکتری به موضوع "معناشناسی شناختی تقوا در قرآن" پرداخت، وی در پژوهش خود به معناشناختی تقوا پرداخت و همنشینی آن با کلیدی‌ترین واژه قرآنی، الله و انحصار هدایت قرآنی در متصفین به تقوا، کلیدی‌بودن این واژه را نشان می‌دهد [26].

سیدمهدی موسوی تحقیق خود را در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «معناشناسی تقوا در آیات قرآن کریم» تدوین کرده است وی در پژوهش خود به تبیین ابعاد مختلف معنایی واژه تقوی با توجه به کاربردهای مختلف آن در سیاق آیات قرآن و نیز آثار و موانع یاد شده برای آن در قرآن؛ پرداخته است [27].

همچنین محمدحسین شیرافکن در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل میدان معنایی تقوا در قرآن کریم چنین نتیجه گرفت که ایمان در تحلیل میدان معنایی تقوا نقش بسزایی دارد. جانشین‌های تقوا نیز بررسی شده و به مواردی مانند برّ، احسان، هدایت، عدل و دیگر موارد دست پیدا کرده است [28].

رابطه تقوا و هدایت در قرآن

همان‌طور که گفته شد هدایت مراتبی دارد که از پائین‌ترین مراتب آن تمام موجودات به‌صورت تکوینی بهره‌مند هستند. اما آنچه که در این پژوهش مد نظر قرار دارد مراتب عالی‌ه هدایت است و هدف پژوهش حاضر نیز بر همین معنا استوار است.

آیا انسان متقی مورد هدایت خاصه قرار می‌گیرد یا هدایت خاصه سبب می‌شود تا انسان به زیور تقوا آراسته شود؟

خداوند در آیه ۶۹ سوره عنکبوت در این‌باره می‌فرماید: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به

تشریح، به حقیقت و راستی میل دارد. اگر چیزی را به نفع خود بیاید به طرف آن میل می‌کند و اگر چیزی را به ضرر خود بیاید، از آن دوری می‌گزیند. پس منظور از تقوا، تقوای فطری است و متقین، یعنی کسانی که فطرت سالم دارند. اینها به‌وسیله قرآن هدایت می‌شوند، اگر چه به عللی قبل از اسلام کافر یا مشرک بوده‌اند.

ممکن است گاهی فطرت آدمی از مجرای اصلی خود منحرف شود؛ به‌طوری که دیگر نتواند برگردد، و این در صورتی است که انسان چیزی را که مقتضای فطرت او نیست انجام دهد و تکرار کند تا فطرتش به آن عادت کند؛ به‌شکلی که دیگر به مجرای اصلی خود برنگردد. چنین کسی دیگر نه خود هدایت می‌شود و نه ارشاد و راهنمایی دیگران در او تأثیری دارد. مانند کسی که عادت کرده است که برخلاف فطرت خود دایم انبیای الهی را تکذیب کند. اینگونه اشخاص با قرآن هدایت نمی‌شوند.

البته این مطلب با عمومیت دعوت و هدایت قرآن منافاتی ندارد؛ چون شخص به دست خود فطرتش را منحرف کرده و زمینه هدایت‌یافتن خود را از بین برده است. از طرفی می‌دانیم هر کافر و مشرکی اگر فطرت سالم داشته باشد به‌وسیله قرآن قابل هدایت است.

البته تقوا در آیه مورد بحث دو تفسیر دارد:

۱) تقوای فطری، منشا و سبب ایمان آوردن و بهره‌مندی از قرآن است.

۲) تقوای شرعی که خود متوقف بر ایمان به مبدأ، معاد و ملازم با ایمان به وحی و نبوت است و به هر میزان که درجات ایمان فرد بیشتر شود تقوای او بیشتر خواهد شد و در نتیجه بهره‌مندی او از قرآن بیشتر خواهد شد. بر این اساس، افراد مختلف با توجه به درجات تقوای خود از قرآن بهره‌مند می‌شوند [31].

علامه طباطبایی در بحث تبیین تاویل نظرات راهگشایی دارند که در فهم این مقام کارساز است. ایشان تاویل را از سنخ دلالت لفظی ندانسته‌اند، بلکه آن را از قبیل حقایق خارجی می‌دانند و ذیل تفسیر آیه هفت سوره آل عمران به تفصیل در این باب سخن می‌گویند که گزیده آن را نقل می‌کنیم:

"نسبت تاویل شیء به خود آن به‌سان نسبت معنی به‌صورت یا حقیقت به مثال است، مقصود از تاویل یک آیه، جنبه مفهومی آن، اعم از مفهوم موافق و مخالف و از نوع معنای لفظ نیست، بلکه تاویل از سنخ امور خارجی است؛ آن هم نه به این صورت که مصداق خارجی خبر را تاویل آن بگوییم، بلکه تاویل از سنخ امور خارجی است که نسبت آن به آیه و کلام، نسبت ممثل به مثال و باطن به ظاهر است. بنابراین، تاویل از قبیل امور عینی والایی است که برتر از قلمرو تقیدات لفظی است و نسبت آن با الفاظ تنها به سبب نزدیک‌ساختن آن به اذهان می‌باشد" [31].

باید گفت از میان مفسران، سه کتاب تفسیر قمی در قرن سوم و به‌دنبال آن تفسیر عیاشی در قرن چهارم و تفسیر البرهان در قرن یازدهم عیناً در این مقام این روایت را بیان می‌دارند "أبو الحسن علی بن ابراهیم بن هاشم، قال "حدثنی أبی، عن یحیی بن أبی عمران، عن یونس، عن سعدان بن مسلم، عن أبی بصیر، عن أبی عبدالله^(ع)، قال "الکتاب علی^(ع) لا شک فیهِ؛ هدی للمتقین قال "بیان لشیعتنا" [32-34]، در سه تفسیر فوق، تاویل "ذلک الکتاب" را حضرت علی^(ع) دانسته‌اند، لذا هدایت را به شیعیان نسبت می‌دهند. نکته قابل توجه اینکه اگر چه این مفسران تصریح به اختصاص هدایت به متقین نکرده‌اند، ولی از لحن کلام ایشان و تمسک به این روایت می‌توان تخصیص را استنباط کرد.

خود کمالاتی کسب می‌کند که تنها با قرب به خدا و رضوان و بهشت او ارتباط داشته باشد و نیز به‌واسطه اعمال زشت و عقاید خرافی و باطل برای نفس خود صورتهایی درست می‌کند که جز با دنیای فانی و زخرف ناپایدار آن ارتباطی ندارد و این باعث می‌شود که بعد از مفارقت از دنیا مستقیماً به دوزخ درآید؛ زیرا صور نفسانی او جز با آتش نمی‌تواند رابطه داشته باشد و این خود سیری حقیقی است.

این صورتهای که در اثر تکرار عمل پیدا می‌شوند، صورتهایی برای نفس است. انسانی که در راه استکمال قرار گرفته است، از ناحیه عدل فیاضه که بر هر موجودی قابلیت برای رسیدن به کمالش عطا می‌کند، چنان قابلیت دارد که به آخرین مرحله کمالی وجودی‌اش برسد و این معنا را هم تجربه و هم برهان اثبات کرده و چون چنین است، بر خدایی که واجب‌الوجود و تام‌الافاضه است، بر هر نفسی که استعداد رسیدن به کمالی را دارد واجب است افاضه‌ای کند و شرایطی فراهم آورد تا آن نفس به کمال خود برسد و آنچه بالقوه دارد بالفعل شود و این کمال هر چه می‌خواهد باشد؛ البته اگر نفس دارای صفات پسندیده‌ای باشد، این کمال، کمال در سعادت خواهد بود و اگر دارای رذایلی و هیئتی نازیبا بود، البته این کمال، کمال در شقاوت خواهد بود و از آنجایی که این ملکات و صورتهای که برای نفس پیدا می‌شود، از راه افعال اختیاری او و افعال اختیاری او نیز از راه اعتقاد به‌درستی و نادرستی و امید به دوستی و رغبت به منافع و ترس از ضررها منشا می‌گیرد؛ لاجرم آن افاضه خدایی لازم است متوجه به دینی شود و خدای تعالی از راه دعوت‌های دینی و بشارت و انداز، بشر را به اعمال صالح وادار و از اعمال زشت دور بدارد تا این دعوت‌های دینی، مایه شفای مومنین گشته، سعادت‌شان به‌وسیله آن به کمال برسد و از سوی دیگر، مایع خسارت ستمگران گشته، شقاوت آنها نیز تکمیل شود و چون دعوت احتیاج به داعی دارد تا متعهد و مسئول این دعوت شود، لاجرم باید انبیایی را برگزیند.

در این مرحله نیز نعمت هدایت بندگان به‌وسیله پیامبران همگانی است و تمامی انسان‌ها مخاطب دعوت پیام‌آوران الهی به سوی فلاح و رستگاری هستند. طبق آیه شریفه "إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ؛ به‌یقین هدایت‌کردن بر ماست" سوره لیل آیه ۱۲. خداوند هدایت بشر را وظیفه خود می‌داند، اما انسان‌ها در برخورد با هدایت عمومی پروردگار به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی این نعمت هدایت را شاکر هستند و عده‌ای نسبت به آن کفر می‌ورزند. "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس" سوره انسان آیه ۳. بنابراین انسان‌هایی که خداوند را به جهت هدایت اولیه (هدایت تکوینی فطری) شاکر و سپاس‌گزار باشند، مورد عنایت خاص وی قرار می‌گیرند و از هدایت‌های بعدی بهره‌مند می‌شوند که مومنان و پرهیزکاران از آن دسته‌اند، اما مردمی که قدردان این نعمت الهی نباشند به سبب کفران نعمت از هدایت تکمیلی محروم می‌شوند و فاسقان از این قبیل هستند.

هدایت متقین

آیات اول تا هفتم سوره بقره بیانگر وضع و وصف متقین و کافران در برابر هدایت‌گری قرآن است. خداوند در آیه دوم سوره بقره می‌فرماید "ذلک الکتاب لا ریب فیهِ هدی للمتقین؛ این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است" سوره بقره آیه ۲. مقصود از متقین کسانی هستند که فطرت خود را از انحراف حفظ کرده‌اند [31]. چون فطرت آدمی خودبه‌خود و صرف‌نظر از جهات

بذلک و این‌کان هدی لغیرهم من حیث أنهم هم الذین اهدوا به و انتفعوا به؛ همانا متقین را به هدایت مخصوص کرد، اگرچه هدایت برای دیگران نیز هست، به این دلیل که فقط آنها هستند که به هدایت قرآن هدایت گشته‌اند و از آن سود برده‌اند" [38].

طبری نیز در تفسیر جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن اینگونه بر این مطلب اشاره دارد:

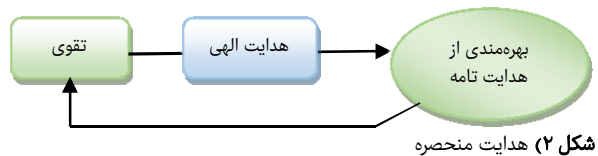
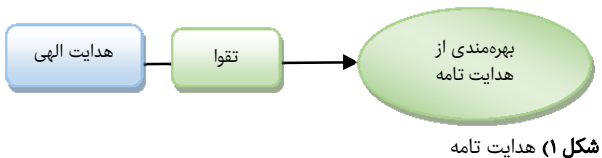
"و لو کان نوراً لغیر المتقین، و رشاداً لغیر المؤمنین لم یخص الله عزوجل المتقین بأنه لهم هدی، بل کان یعم به جمیع المنذرين ولكنه هدی للمتقین، و شفاء لما فی صدور المؤمنین، و وفر فی آذان المکذبین، و عمی لأبصار الجاحدین؛ اگر نور و هدایت برای غیرمؤمنین بود، خدا آن را به متقین اختصاص نمی‌داد، بلکه همه مندرین را می‌فرمود، و لکن هدایت برای متقین و شفای قلب مومنین و سنگینی در گوش دروغگویان و کوری چشمان مخالفان قرار داد" [39].

غالب مفسران قایل به قول مصداق منحصره، برای تبیین هدایت همگانی قرآن و اختصاص این هدایت قرآنی به متقین، به آیه "إنما أنت منذر من یخشاها" استشهد کردند، به این بیان که پیغمبر (ص) منذر تمام افراد است، ولی از آنجا که فقط کسانی که صفت خشیت داشتند، از انذار ایشان سود بردند. لذا خداوند متعال انذار را فقط به آنها نسبت داده است [28].

برخلاف قول گروه قائلین به هدایت تامه که اکثر قائلان در قرون ۱۴ و ۱۵ متمرکز بودند، قائلان این قول در اغلب قرون وجود دارند. نکته دیگر اینکه از میان مفسران اهل سنت، تعداد زیادی به این قول گرایش دارند یا حتی می‌توان گفت مفسران کهن اهل سنت قریب به اتفاق همین قول را اتخاذ کرده بودند. این قول از کتب تفسیری بحرالعلوم و جامع البیان فی تفسیرالقرآن از علمای اهل سنت در قرن چهارم ظهور کرد و از علمای شیعه، شیخ طوسی در قرن پنجم از کسانی بود که این قول را در میان امامیه ترویج کرد.

رابطه تقوی و هدایت

با توجه به مطالب گفته‌شده در این قسمت برای تبیین رابطه هدایت و تقوی از شکل استفاده شد. شکل ۱ هدایت تامه و شکل ۲ هدایت منحصره را نشان می‌دهد.



تقوا و سلامت اجتماعی

یکی از مشکلات مهم در جهان ماشینی امروز عدم کنترل عوامل انحراف و فقدان راهنمایان فرهنگی و سقوط شخصیت والای انسانی است، بنابراین نقش تقوا در رشد شخصیت‌ها، تکامل آنها و جلوگیری از انحراف روحی اهمیت واقعی خود را یافته و به عنوان درمان اصلی برای اصلاح ساختار انسان‌ها و در نتیجه سلامت

از میان این دسته تفاسیر، حویزی در تفسیر نورالثقلین خود به روایت دیگری اشاره می‌کند "و یأساده إلى علی بن ابی حمزة عن یحیی بن ابی القاسم قال "سألت الصادق جعفرین محمد علیهماالسلام عن قول الله عزوجل ألم" * "ذلک الكتاب لا ریب فیه هدی للمتقین * "الذین یؤمنون بالغیب" فقال "المتقون شیعة علی علیه السلام و الغیب هو حجة الغایب" [35].

او نیز در اینکه هدایت مختص شیعیان است، با سه تفسیر مذکور هم‌نظر بود، ولی از روایت دیگری این تخصیص را اشاره کرده است. دسته دیگری از مفسران هم هستند که علاوه بر تفسیر هدایت، به تاویل متقین هم اشاره کرده‌اند، ولی تصریح به اختصاص و وجه آن را نیز ذکر نکرده‌اند. می‌توان نظر این دو مفسر را حاصل جمع نظرات سابق دانست. حسکانی در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل با استناد به روایتی، هدایت را به بیان و نور تفسیر کرده است و تاویل متقین را علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) می‌داند:

"أخبرنا عقیل بن الحسین بقراءتی علیه من أصله، قال "حدثنا علی بن الحسین، قال "حدثنا محمدبن عبدالله، قال "حدثنا عثمان بن أحمدبن عبدالله الدقاق بعقاد، قال "حدثنا عبدالله بن ثابت المقرئ، قال "حدثنی أبی، عن الهذیل بن حبیب أبی صالح عن مقاتل، عن الضحاک عن عبدالله بن عباس فی قول الله عزوجل: ذلک الكتاب لا ریب فیه یعنی لا شک فیه أنه من عندالله نزل هدی یعنی بیانا و نوراً للمتقین علی‌بن‌أبیطالب الذی لم یشرک بالله طرفة عین، اتقی الشکر و عبادة الأوثان و أخلص لله العبادة، یبعث إلیالجنة غیر حساب هو و شیعته" [36].

اگرچه در این تفسیر نیز به تخصیص تصریح نشده است، ولی از بیان این مفسر هم اختصاص هدایت به حضرت علی (ع) برداشت می‌شود.

تفسیر دیگری که به این شکل عمل کرده، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید است. صاحب این تفسیر که در زمره تفاسیر عرفانی است، هدایت را به معنای رحمت اخذ کرده، متقین را امت رسول خدا (ص) دانسته است. او برخلاف تفاسیر قبل که متقین را شیعیان یا در تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل که از اهل سنت هم است، تاویل آن را خود حضرت علی (ع) دانسته، این تفسیر متقین را مختص مسلمین و معتقدان به قرآن کریم و رسول خدا (ص) دانسته است و دامنه آن را گسترده‌تر از مفسران قبل گرفته است [37].

در هدایت تامه، مفسر قایل به هدایت اولیه بوده و وجود تقوای ابتدایی را شرط دانسته و غالباً به آن تصریح کرده، ولی در قول هدایت تامه منحصره، مفسر به دنبال زمینه کسب تقوا نیست، بلکه قرآن را صاحب صلاحیت برای هدایت تمام بشر می‌داند، ولی معتقد است از میان بشر، فقط متقین هستند که از این فیوضات استفاده می‌کنند و هدایت می‌شوند.

در تبیین این قول در تفسیر بحرالعلوم چنین آمده است: "فإن قيل: فیه بیان لجميع الناس، فکیف أضاف إلی المتقین خاصة؟ قيل له: لأن المتقین هم الذین ینتفعون بالبیان، و یعملون به فإذا کانوا هم الذین ینتفعون، صار فی الحقیقة حاصل البیان لهم: اگر گفته شود که در قرآن، بیان برای همه مردم است، پس چگونه به متقین نسبت داده شده است؟! به او گفته می‌شود، چون فقط متقین هستند که از بیان قرآن سود می‌برند و به آن عمل می‌کنند. پس زمانی که فقط آنان از بیان سود ببرند، در حقیقت، حاصل بیان برای آنان می‌گردد".

شیخ طوسی در تفسیر التبیان فی تفسیرالقرآن به این قول چنین اشاره می‌کند:

"معناه نور و ضیاء ودلالة للمتقین من الضلالة و إنما خص المتقین

باشد زیرا مغز تمام این افعال خدابسنده تقوا و محور آن می‌باشد چنان که در قرآن مجید چنین آمده است "آری هر کس به عهد خود وفا کند و خداترس و پرهیزگار باشد که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد" (سوره آل عمران آیه ۷۶).

"چنان که چندبار با تو عهد صلح و مسالمت بستند (مانند یهودان بنی قریظه) عهد تو را در هر مرتبه شکستند و در حفظ عهد با تو، راه تقوا نیبموندند (و دشمنان اسلام و مشرکان مکه را یاری کردند؛ سوره انفال آیه ۵۶).

"اما آن کس که در راه خدا انفاق می‌کند و به پرهیزگاری پیش گیرد و جزای نیک الهی را تصدیق کند ما هم البته کار او را (در دو عالم) سهل و آسان می‌گردانیم" (سوره اللیل آیات ۴ تا ۶).

"و محققا اگر آنان ایمان آورند و پرهیزگار شوند بهره‌ی که از خداوند نصیب آنها شود بهتر از هر چیز خواهد بود" (سوره بقره آیه ۱۰۲).

"اگر صبر پیشه کرده پرهیزگار شوند (البته ظفر یابند) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارها است" (سوره آل عمران آیه ۱۸۵).

چنان که ملاحظه می‌کنید تمام این صفات در مدار تقوا دارای ارزش واقعی هستند و رفتار افراد در جامعه با سلامت معنوی آنها ارتباط مستقیم دارد.

از محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به سختی دسترسی محقق به برخی نسخ خطی و همچنین گستردگی موضوع اشاره کرد که با توجه به فرمت مقاله ضرورت داشت، مطالب مختصر ارائه شوند. هر چند محقق تلاش نمود تا مفاهیم مربوطه را به حد کفایت توضیح دهد، لیکن بیم آن می‌رود که برخی مفاهیم به‌درستی تبیین نشده باشند.

لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران دانشگاهی، نسبت به تعریف موضوعات مشابه برای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی در رشته‌های علوم قرآن و حدیث و علوم اجتماعی، اقدام کنند.

نتیجه‌گیری

در بیان قرآن، متقین در مرحله ابتدا و ادامه مسیر تقوی، به هدایت الهی نیاز دارند و از آن بهره جسته‌اند و در پرتو دو هدایت الهی قرار گرفته‌اند که از آن به هدایت اولیه و ثانویه یاد شده است. همچنین، هدایت الهی مراتب مختلفی دارد که این مراتب در درجات تقوا اثر مستقیم دارند. هدایت الهی از باب ارشاد به تمام انسان‌ها تعلق گرفته، ولی در نسبت با متقین از باب ازدیاد هدایت و در پی آن ازدیاد تقواست. می‌توان گفت که خودداری از تبعیت هدایت الهی، سبب گمراهی و در نتیجه، محرومیت از تقواست.

همچنین، هدایت بر تقوی اثر مستقیم دارد و هدایت الهی برای متقین و آنهایی که در مسیر تقوی قرار گرفته‌اند در حال ازدیاد است. تقوا و هدایت در نسبت به هم دو جنبه دارند. تقوا در جنبه

اول زمینه دریافت هدایت الهی است و در جنبه دوم هدایت الهی منجر به تقوی می‌شود. آنچه از این بحث می‌توان نتیجه گرفت این است که هدایت الهی و تقوی رابطه دوسویه مشد دارند یعنی هر چه بر تقوی افزوده شود هدایت الهی فزون‌تر می‌شود و همچنین هر چه هدایت الهی چراغ راه متقین شود، بر درجات تقوای ایشان افزوده می‌شود. البته باید چنین گفت که اگر هدایت را بر معنای تام آن اخذ کنیم متقین قبل از نیل به تقوی نیز مانند همه انسان‌ها از هدایت برخوردار بوده‌اند و فرق ایشان با دیگران استفاده و پیروی از هدایت اولیه برای نیل به مراحل بالاتر تقوی بوده است. آن هدایت اولیه بر مبنای هدایتی است که فطرتاً برای همه انسان‌ها توسط ذات اقدس ربوبیت در نظر گرفته شده است. در یک

اجتماعی مطرح می‌شود.

تاثیر روابط خارجی محیط، ناپاک و تیره و تبدیل به یک عنصر خطرناک شده و از همه مهم‌تر فقدان راهنمایان فرهنگی در محیط خانواده و خارج از خانواده و عدم کنترل عوامل انحراف در مسیر فضیلت و تقوا، بالاترین مصیبتی است که حیات اجتماعی و ترقیات روزافزون اجتماع را در جنبه‌های مختلف علم و صنعت تهدید می‌نماید. راهنمایان فاسد، بی‌دین و بی‌تقوا قادر هستند چنان زبان‌های غیرقابل جبرانی به بار آورند که عملاً اکثر افراد فعال مملکت یعنی سرمایه‌های پرارزش کشور را به عده‌ایی افراد ضعیف و وامانده تبدیل کنند و افراد بی‌شخصیت تحویل جامعه دهند. از این رو نقش تقوا در رشد شخصیت‌ها، تکامل و سلامت اجتماعی اهمیت واقعی خود را پیدا می‌کند.

دامنه سلامت معنوی به بعد از حیات مادی نیز گسترده شده و نتیجه زیستن مومنانه، سلامت و سعادت اخروی است (سوره صف آیات ۱۰ و ۱۱) و "اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغ‌های بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود" (سوره کهف آیه ۱۰۷). نتیجه منطقی تقوی، دستیابی به حیات حسنه در دنیا و زندگی حسنه در آخرت (سوره بقره آیه ۲۰۱، سوره اعراف آیه ۱۵۶) و سرانجام دستیابی به سعادت و رضوان الهی (سوره توبه آیه ۷۲) در سرای جاویدان آخرت است و در این دنیا دستیابی به مدارج عالی از آرامش، رضایت خاطر و معناداری زندگی است، اما با محوریت توحید^[40] نتیجه سلامت معنوی توحیدی به "حیات طیبه" نیز تعبیر شده است "هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم" (سوره نحل آیه ۹۷).

همان‌گونه که در آسیب‌هایی که بر جسم وارد می‌شوند، تنها خود فرد آسیب‌دیده است که مستقیماً احساس درد و رنج می‌کند و اطرافیان و دوستان از بی‌تابی و احساس درد او ناراحت و نگران هستند، در آسیب‌های روحی و روانی نیز چنین است؛ یعنی خود شخص در صورتی که دچار اختلال حواس نشده باشد، بیش از دیگران احساس درد و رنج می‌کند. برای نمونه، در آسیب‌هایی هم که به واسطه گناه به روح و جان آدمی وارد می‌شوند، بیشترین رنج و درد روانی را خود شخص متحمل می‌شود و اولین بوی بد گناه را خود استشمام می‌کند، رسول اکرم^(ص) فرمودند "خودتان را با استغفار و توبه معطر کنید تا بوی بد گناه شما را رسوا نکند"^[41]، اما اگر بر اثر تخریب قوای ادراکی، با اینکه در حال سوختن است، درد و آتش‌سوزی احساس نکند، این بدترین حالاتی است که یک فرد آسیب‌دیده ممکن است به آن مبتلا شود؛ زیرا با اینکه بیمار و آسیب‌دیده است یا اصلاً خود را بیمار نمی‌داند یا آنچه را به آن مبتلا شده است آسیب جدی قلمداد نمی‌کند و در این صورت، به فکر دارو و درمان نیست و از اقدام دیگران برای مداوای خود نیز جلوگیری می‌کند.

مطالعه مجموع اخبار، روایات و آیات قرآن در موضوع تقوا، ما را به یک سلسله آثار و علایم راهنمایی می‌کند که قبل از بررسی آنها، توجه خوانندگان را به یک نکته مهم جلب می‌کنیم و آن این که معادله زیر بین تقوا و علایم آن به این ترتیب تنظیم می‌شود که "کسانی که دارای تقوا هستند این علایم و صفات را دارند و لکن این طور نیست که هر موقع از این آثار در کسی وجود داشته باشد حتماً تقوا را دارد (و باصلاح علم منطق اینها لازم اعم تقوا می‌باشند).

واضح است که صفاتی از قبیل ایمان و وفای به عهد و انفاق در راه خدا و صبر و غیره، وقتی ارزش واقعی خود را دارد که همراه با تقوا

- [Persian]
 17- Al-Raghib al-Isfahani. Dictionary of Quranic terms (al-Mufradat fi Gharib al-Quran). Qom: Zol-Al-Ghorba; 1995. [Arabic]
 18- Mostafavi H. research the words of Al-Quran al-Karim. Tehran: Bongahe Tarjome va Nashre Ketab; 1981. [Arabic]
 19- Shartooni R. Translation of arabic principles (Tarjome Mobadi Al-Arabi). Qom: Dar-Al-Elm; 1995. [Arabic]
 20- Feumi A. Bold light in great explantion of rafeei (Al-Mesbah Al-Monir fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir Al-Rafeiee). Qom: Dar-Al-Hejreh; 1993. [Arabic]
 21- Motahhari M. Fitra. Tehran: Sadra; 1990. p. 690. [Persian]
 22- Javadi Amoli A. Prophecy of the Quran. Tehran: Raja Cultural Publication Center; 1991. [Persian]
 23- Park GA, Park K. Textbook of preventive and social medicine, a treatise on community health (General health services). Shojaee Tehrani H, Malel Afzali H, Translators. 2nd Volume. 3rd Edition. Gilan: Guilan University of Medical Sciences Press; 1997. [Persian]
 24- Burke PJ. Identity processes and social stress. Am Sociol Rev. 1991;56(6):836-49.
 25- Keyes CLM, Shapiro AD. Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. In: Brim OG, Ryff CD, Kessler RC, editors. How healthy are we?: A national study of well-being at midlife. Chicago: University of Chicago Press; 2004. pp. 350-73.
 26- Nili Poor M. Cognitive semantics of piety in Quran [Dissertation]. Qom: The University of Quran and Hadith; 2016. [Persian]
 27- Mousavi SM. The semantics of piety in verses of the holy Quran. [Dissertation]. Qom: Usul-Al-Deen College; 2015. [Persian]
 28- Shirafkan MH. Semantic analysis of virtue in the Holy Quran. [Dissertation]. Tehran: Quran & Hadith University; 2015. [Persian]
 29- Makarem Shirazi N. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 3rd Volume. Tehran: dar Al-ketab Al-eslami; 2007. p. 518. [Persian]
 30- Javadi Amoli A. Guidance in the Quran. 4th Edition. Tehran: Raja; 1988. [Persian]
 31- Mesbah Yazdi MT, Faghihi A. Interpretation of the holy Quran Surah Baqarah, verses 1-7. Qom: Quran Shenakht; 2008. [Persian]
 32- Muhammad ibn Ali Ibn Babawayh al-Qummi. Book of dictations (Al-Amali). Tehran: Ketabkhane Eslamieh; 1983. [Arabic-Persian]
 33- Muhammad Ibn Masoud Ayyashi. Interpretation of Ayyashi (Tafsir Ayyashi). 1st Volume. 1st Edition. Tehran: Maktab Al-Elmieh Al-Eslamieh; 1960. [Arabic]
 34- Bahrani SH. Proof in the interpretation of the Quran (Al-Burhan fi Tafsir al-Quran). 1st Volume. Tehran: Bonyad Beesat; 1995. [Arabic]
 35- Abd Alī Ibn Jumua Al-Huwayzi. Interpretation of the light of thaqalayn (Tafsir nur al-thaqalayn). 1st Volume. Qom: Esmaeelian; 1994. [Arabic]
 36- Obeid Allah Ibn Abdullah Hasakani. Evidence of descent (Shawahid al-tanzil). 1st Volume. Tehran: Vezerat Ershad Eslami; 1990. [Arabic]
 37- Noovi Javi M. Mohamad Noovy Al-jawy's Interpretation (Maraha Lbyd Lekashf Maany Al-Quran Al-Majid). 1st Volume. 1st Edition. Beirut: Dar Al-Ketab Al-Elmieh; 1997. [Arabic]
 38- Shaykh Tusi. Adoption in exegesis of Quran (al-Tibbyan fi Tafsir al-Quran). Beirut: Dar Ahya al-Toras al-

کلام می‌توان گفت طی مراتب تقوی چونان گذراندن پایه‌های مختلف تحصیلی است که اگر فرد به هدایت‌های اولیه توجه کند به مراحل بالاتر هدایت نایل می‌شود وگرنه در مراحل اولیه مردود می‌شود. تقوای الهی یکی از مولفه‌های بسیار تاثیرگذار بر سلامت اخلاقی فرد و در نتیجه سلامت اجتماع است. اگر تک‌تک افراد جامعه به سوی تقوای الهی حرکت کنند در نتیجه اجتماع مورد نظر به سلامت هدایت می‌شوند.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

سهم نویسندگان: شهین سیمیری (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر اصلی (۳۵٪); علی قائمی‌امیری (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه/اروش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۳۵٪); محمد آرمند (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (۳۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

منابع

- Ghorshi AA. Explanation of the best. Tehran: Bonyad Beesat; 1987. [Arabic]
- Al-Tarihi F. Complex of seas (Majma' al-Bahrain). Tehran: Maktabah al-Mortazaviyah; 1982. [Arabic]
- Al-Raghib al-Isfahani. Dictionary of Quranic terms (al-Mufradat fi Gharib al-Quran). Beirut: Dar al-Ghalam; 1995. [Arabic]
- Anis E, Abdolhalim M, Al-Savalehi A, Khalaf A. Medieval Dictionary: Arabic-Persian (Farhang al-Maajam-al-vasit: Arabi-Farsi). Tehran: Andishe Eslami; 2014. [Arabic-Persian]
- Ibn Faris A. Dictionary of Language standards (Maajam Maghaeesm Al-loghat). Qom: Maktab-Al-aalam-Al-Eslami; 1983. [Arabic]
- Jar Kh. Dictionary of larousse. Tehran: Amirkabir; 1986. [Arabic-Persian]
- Al-Allamah al-Hilli. Revealed of intended in explaining the pervasive belief (Kashf al-Morad fi Sharhe Tajrid al-Ee'teghad). Beirut: Moa'seseh al-Aa'mi le al-Matbuat; 1979. [Arabic]
- Mohaghegh MB. Interpretation of Mohaghegh (Tafsir-Al-Mohaghegh). Tehran: Eslami; 1951. [Persian]
- Sahib Ibn Ebbad. Surrounding in language (al-Mohit fi al-Loghah). Beirut: Alam al-Ketab; 1994. [Arabic]
- Sajadi SM. The dimensions and scope of educational goals with an emphasis on anthropological teachings of Imam Ali (a.s). 2000;(4) [Persian]
- Ansari MA. Interpretation of Moshkat. Mashhad: Bayan Noor Hedayat; 2012. [Persian]
- Mohammad Ibn Ibrahim Sadr al-Din Shirazi. Fourth trip. Qom: Maktabat al-Mostafa; 1989. [Arabic]
- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom; 1996. [Persian]
- Fazl Ibn Hasan Tabarsi. Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran). Ansari MR, editor. Tehran: Farahani; 1981. pp. 1-38. [Persian- Arabic]
- Bardsiry Kermany ShM. Lamp of spirits (Mesbah al-Arvah). Fooruzan Far B, editor. Tehran: University of Tehran; 1970. [Persian]
- Javadi Amoli A. Description of transcendent philosophy: Fourth trip. Tehran: Al-Zahra; 1989.

40- Zakavi AA, Marzband, R, Jalali H. Study of the anthropological basis of spiritual health in the Quran. 2013;(12):47-60. [Persian]
41- Majlesi MB. Seas of lights (Bihar al-Anwar). Beirut: Moa'seseh al-Vafa'; 1983. [Arabic]

Arabi; 1992. [Arabic]

39- Mohammad Ibn Jarir al-Tabari. Collection of statements on interpretation of verses of the Quran (Jami' al-bayan fi Tafsir al-Quran). Unknown Publisher; 1991. [English-Arabic]